

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء

دانشکده الهیات

پایان نامه

جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

رابطه‌ی انسان‌شناسی قرآنی و اخلاق پزشکی

استاد راهنما

دکتر نرگس نظرنژاد

استاد مشاور

دکتر فروزان راسخی

دانشجو

بنفشه فاضلی

مهرماه ۱۳۸۸

تقدیم به

روح پدر عزیز و بزرگوارم

که مشوق همیشگی ام در امر تحصیل بود

و در اثنای انجام این تحقیق،

با رفتن نابهنگامش

دلم را داغدار کرد و دیده ام را به خون نشاند.

تقدیم به

مادر دلسوز و مهربانم

که محبت های بی دریغش،

همواره تکیه گاه زندگی ام بوده است.

تشکر و قدردانی

به رسم لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق، از استاد بسیار عزیز و بزرگوارم سرکار خانم دکتر نرگس نظرنژاد که با راهنمایی‌های سازنده و دلسوزی‌ها و مهربانی‌های بی‌دریغ خود، مرا در انجام این تحقیق، یاری نمودند، تقدیر و قدردانی می‌کنم و زحمتهای ایشان را سپاس می‌گزارم. تشکر و قدردانی می‌کنم از استاد محبوبم سرکار خانم دکتر فروزان راسخی که زحمت مشاوره‌ی این پایان‌نامه را بر عهده داشتند و همواره در طول دوران تحصیل، یار و یاریگرم بودند.

چکیده

پژوهش حاضر، به دنبال پاسخ به این پرسش است که انسان‌شناسی قرآنی چه تأثیری بر اخلاق پزشکی می‌گذارد. در این راستا، به بررسی مهم‌ترین مبنای اخلاق پزشکی یعنی انسان‌شناسی می‌پردازد. این پژوهش، در نظر دارد نشان دهد که تعریف ما از انسان و نوع نگاه ما به او، در چگونگی تعامل با او تأثیر می‌گذارد. اگر نگاه ما به انسان، نگاهی مادی باشد، انسان صرفاً موجودی خواهد بود در کنار سایر موجودات و مرگ و زندگی او، ارزشی یکسان خواهند داشت؛ اما اگر انسان را به جز جسم مادی، دارای روحی الهی و خدایی بدانیم، آن‌گاه، روح و جسم او، هر دو از کرامت و شرافت بالاتری برخوردار خواهند شد و زندگی او و تلاش برای حفظ آن، ارزشی فوق‌العاده خواهد یافت. این پژوهش، پس از بررسی نگاه فیلسوفان غربی به انسان و مقایسه‌ی آن با دیدگاه قرآن، به این نتیجه رسیده است که انسان‌شناسی قرآنی، در مقایسه با سایر انواع انسان‌شناسی، از جامعیت و اتقان بیش‌تری برخوردار است و شایسته است که پزشکان، با توجه به شناختی که قرآن از انسان ارائه می‌دهد و او را به عنوان اشرف مخلوقات معرفی می‌کند، به بررسی اصول نظری اخلاقی پزشکی و چگونگی تعامل با بیمار بپردازند.

* کلید واژه: اخلاق پزشکی، انسان‌شناسی، قرآن، فلسفه غرب، روح و جسم

فهرست

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۸	فصل اول: کلیات.....
۹	۱-۱- اخلاق و علوم وابسته به آن.....
۱۰	۲-۱- تعریف اخلاق.....
۱۲	۱-۲-۱- اخلاق در اصطلاح.....
۱۳	۲-۲-۱- مفاهیم اخلاقی.....
۱۴	۳-۲-۱- توضیح مفاهیم اختیار، اجبار و اکراه.....
۱۵	۴-۲-۱- معنای اخلاقی بودن فعل.....
۱۵	۵-۲-۱- ملاک اخلاقی بودن فعل.....
۱۶	۶-۲-۱- گزاره‌های اخلاقی.....
۱۹	۳-۱- علم اخلاق.....
۲۰	۴-۱- دانش‌های ناظر بر اخلاق.....
۲۱	۱-۴-۱- اخلاق توصیفی.....
۲۳	۲-۴-۱- اخلاق هنجاری یا توصیه‌ای.....
۲۷	۱-۲-۴-۱- تفاوت اخلاق توصیفی و اخلاق هنجاری.....
۲۷	۲-۲-۴-۱- اخلاق کاربردی.....
۲۹	۳-۲-۴-۱- اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای.....
۳۰	۴-۲-۴-۱- اخلاق پزشکی.....
۳۲	۳-۴-۱- فرا اخلاق.....

- ۳۸ ۵-۱- فلسفه‌ی اخلاق
- ۴۰ ۱-۵-۱- مسائل فلسفه‌ی اخلاق
- ۴۲ ۶-۱- فلسفه‌ی علم اخلاق
- ۴۳ فصل دوم: دیدگاه فلاسفه‌ی غرب درباره‌ی انسان
- ۴۴ ۱-۲- امکان‌پذیر بودن شناخت انسان
- ۴۵ ۲-۲- دشوار بودن شناخت حقیقت انسان
- ۴۶ ۳-۲- غیرممکن بودن شناخت کنه انسان
- ۴۶ ۴-۲- راه‌های شناخت انسان
- ۴۶ ۱-۴-۲- از راه شناخت خدا
- ۴۷ ۲-۴-۲- از راه خود انسان
- ۴۷ ۳-۴-۲- از راه آثار و لوازم
- ۴۷ ۵-۲- مفهوم انسان‌شناسی
- ۴۸ ۶-۲- تعریف انسان‌شناسی
- ۴۸ ۱-۶-۲- انسان‌شناسی تجربی، عرفانی، فلسفی و دینی
- ۴۹ ۲-۶-۲- انسان‌شناسی خرد و کلان
- ۵۰ ۷-۲- اهمیت و ضرورت انسان‌شناسی
- ۵۰ ۱-۷-۲- انسان‌شناسی در چهارچوب اندیشه‌ی بشری
- ۵۰ ۱-۱-۷-۲- معنایابی زندگی
- ۵۰ ۲-۱-۷-۲- عقلانیت نظام‌های اجتماعی
- ۵۱ ۳-۱-۷-۲- موجودیت و اعتبار علوم انسانی تبیینی
- ۵۱ ۴-۱-۷-۲- سوگیری علوم انسانی و تحقیقات اجتماعی

- ۵۲ ۲-۷-۲- انسان‌شناسی در چهارچوب معارف دینی
- ۵۲ ۲-۷-۲-۱- انسان‌شناسی و خداشناسی
- ۵۴ ۲-۷-۲-۲- انسان‌شناسی و مسائل اصولی و اعتقادی
- ۵۴ ۲-۷-۲-۲-۱- انسان‌شناسی و نبوت
- ۵۵ ۲-۷-۲-۲-۲- انسان‌شناسی و معاد
- ۵۶ ۲-۷-۲-۳- انسان‌شناسی و مسائل اخلاقی
- ۵۶ ۲-۷-۲-۴- انسان‌شناسی و احکام اجتماعی
- ۵۷ ۲-۸-۱- مقام انسان از دیدگاه فیلسوفان غربی
- ۵۷ ۲-۸-۱- افلاطون
- ۶۰ ۲-۸-۲- ارسطو
- ۶۱ ۲-۸-۳- رواقیان
- ۶۲ ۲-۸-۴- اپیکوریان
- ۶۲ ۲-۸-۵- فلوطین
- ۶۳ ۲-۸-۶- توماس آکوئیناس
- ۶۴ ۲-۸-۷- فرانسیس بیکن
- ۶۶ ۲-۸-۸- توماس هابز
- ۶۹ ۲-۸-۹- رنه دکارت
- ۷۱ ۲-۸-۱۰- بلز پاسکال
- ۷۱ ۲-۸-۱۱- نیکلا مالبرانش
- ۷۲ ۲-۸-۱۲- باروخ اسپینوزا
- ۷۵ ۲-۸-۱۳- لایب نیتس

- ۷۸ جورج برکلی ۱۴-۸-۲
- ۷۹ دیوید هیوم ۱۵-۸-۲
- ۸۰ ایمانوئل کانت ۱۶-۸-۲
- ۸۴ یوهان گوتلیب فیشته ۱۷-۸-۲
- ۸۴ مندوبیران ۱۸-۸-۲
- ۸۶ فوئر باخ ۱۹-۸-۲
- ۸۷ ویلیام جیمز ۲۰-۸-۲
- ۸۷ هربرت برادلی ۲۱-۸-۲
- ۸۸ برتراند راسل ۲۲-۸-۲
- ۸۸ لودویگ ویتگنشتاین ۲۳-۸-۲
- ۹۰ کارل مارکس و فریدریش انگلس ۲۴-۸-۲
- ۹۱ هانری برگسن ۲۵-۸-۲
- ۹۴ **فصل سوم: انسان در جهان بینی قرآن**
- ۹۵ ۱-۳- انسان در جهان بینی قرآن
- ۹۶ ۲-۳- امتیازات انسان بر حیوان از نظر قرآن
- ۹۷ ۳-۳- ویژگی های انسان شناسی قرآنی
- ۹۷ ۱-۳-۳- جامعیت
- ۹۸ ۲-۳-۳- اتقان و خطاناپذیری
- ۹۸ ۳-۳-۳- توجه به مبدأ و معاد
- ۹۸ ۴-۳-۳- توجه به رابطه ی ساحت های مختلف وجود انسان
- ۹۹ ۵-۳-۳- ستایش و نکوهش توأمان انسان

- ۴-۳-۴- آفرینش انسان در قرآن..... ۱۰۰
- ۳-۴-۱- بررسی آیات مربوط به منشأ آفرینش انسان..... ۱۰۲
- ۳-۵- ابعاد وجودی انسان و نیازهای او..... ۱۰۷
- ۳-۶- وجود روح در قرآن..... ۱۰۸
- ۳-۶-۱- انسانیت انسان به روح است..... ۱۱۲
- ۳-۶-۲- استقلال روح..... ۱۱۴
- ۳-۶-۳- تجرد روح..... ۱۱۸
- ۳-۷-۱- کرامت انسان..... ۱۱۹
- ۳-۷-۱- کرامت چیست؟..... ۱۲۱
- ۳-۷-۲- مدار کرامت، تقواست..... ۱۲۲
- ۳-۷-۳- کرامت و روح الهی..... ۱۲۳
- ۳-۷-۴- کرامت و فطرت..... ۱۲۵
- ۳-۷-۵- کرامت ذاتی و اکتسابی..... ۱۲۶
- ۳-۷-۶- دلیل کرامت انسان..... ۱۲۷
- ۳-۸-۱- خلافت الهی..... ۱۲۹
- ۳-۸-۱- چه موجودی می تواند خلیفه الله باشد؟..... ۱۳۱
- ۳-۸-۲- خلافت فرزندان آدم..... ۱۳۱
- ۳-۸-۳- آیا همه ی انسان ها خلیفه الله هستند؟..... ۱۳۳
- ۳-۸-۴- ملاک شایستگی برای خلافت الهی..... ۱۳۴
- ۳-۹- ارزش و مقام انسان..... ۱۳۶
- ۳-۹-۱- حیات و مرگ یک انسان، با حیات و مرگ همه ی انسان ها برابر است..... ۱۳۶

- ۱۳۷ انسان خلیفه الله است ۲-۹-۳
- ۱۳۸ سجده‌ی فرشتگان بر انسان ۳-۹-۳
- ۱۳۸ کرامت ذاتی انسان ۴-۹-۳
- ۱۳۹ انسان، امانتدار خداست ۵-۹-۳
- ۱۴۰ انسان و تسخیر موجودات جهان آفرینش ۶-۹-۳
- ۱۴۱ آفرینش انسان به دست خدا ۷-۹-۳
- ۱۴۱ انسان، هدف نهایی خلقت ۸-۹-۳
- ۱۴۵ **فصل چهارم: ارتباط میان انسان‌شناسی و اخلاق پزشکی** ۱۴۵
- ۱۴۶ ارتباط میان انسان‌شناسی و اخلاق پزشکی ۴-۹-۳
- ۱۴۶ ۱-۴- برآیند نگاه فلاسفه‌ی غرب به انسان ۱-۴-۱
- ۱۴۸ ۱-۱-۴- نگاه غالب بر نسبت روح و بدن در اندیشه‌ی جدید اروپایی ۱۴۸
- ۱۵۳ ۲-۱-۴- بحران انسان‌شناسی معاصر غرب ۱۵۳
- ۱۵۴ ۳-۱-۴- انسان‌شناسی حاکم بر پزشکی در غرب ۱۵۴
- ۱۵۵ ۲-۴- برآیند نگاه قرآن کریم به انسان ۱۵۵
- ۱۵۶ ۱-۲-۴- شرافت جسم به دلیل همجواری با روح ۱۵۶
- ۱۵۹ ۳-۴- دانش پزشکی و ارتباط تن و روان ۱۵۹
- ۱۶۱ ۴-۴- امتیاز انسان‌شناسی قرآنی بر سایر انواع انسان‌شناسی ۱۶۱
- ۱۶۴ ۵-۴- رابطه‌ی «هست» و «باید» (انسان‌شناسی و اخلاق پزشکی) ۱۶۴
- ۱۶۵ ۱-۵-۴- استقلال اخلاق از علم (استقلال «باید» از «هست») ۱۶۵
- ۱۶۷ ۱-۱-۵-۴- روش استنتاج در منطق ۱۶۷
- ۱۶۸ ۲-۵-۴- ارتباط اخلاق و علم (ارتباط «باید» و «هست») ۱۶۸

۱۷۶ گذار روانشناختی نه گذار منطقی
۱۷۷ نقش قوانین موضوعه در تقویت بایدهای اخلاقی
۱۷۹ نتایج و پیشنهادات
۱۸۲ منابع و مأخذ

مقدمه

همه‌ی اموری که مستقیم یا غیرمستقیم به انسان می‌پردازند، با شناخت او، ارتباط و اتصال تام و تمام دارند و همین شناخت است که به بایسته‌ها و نبایسته‌های تعامل با وی تعیین می‌بخشد. به عبارت دیگر، هر تعریفی از انسان، همه‌ی موضوعات مربوط به او را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در واقع، هنگامی که شناخت ما از انسان، فطرت، هدف‌ها، توانایی‌های بالقوه و عملکردهایش تغییر کند، آن‌گاه همه چیز درباره‌ی او تغییر خواهد کرد. نه تنها فلسفه‌ی سیاست، اقتصاد، اخلاق و ارزش‌ها، روابط بین انسان‌ها و حتی خود تاریخ، بلکه فلسفه‌ی تعلیم و تربیت و روان‌درمانی و چگونگی کمک به انسان‌ها نیز تغییر می‌کند و اصول و مبانی همه‌ی علوم‌ی که بر تعریف خاصی از انسان استوارند نیز دستخوش تغییر و تحول خواهد شد. دانش پزشکی نیز به عنوان یکی از اموری که مستقیماً با انسان سر و کار دارد، بایسته‌ها و نبایسته‌هایی دارد که مبتنی بر چگونگی شناخت انسان است، چرا که مهم‌ترین و محوری‌ترین موضوع در پزشکی، انسان‌شناسی و چگونگی ارتباط تن و روان است و با توجه به این‌که در این راستا، مهم‌ترین بحران زندگی اجتماعی انسان در دوره‌های مختلف تاریخ بشر مسأله‌ی اخلاق و نحوه‌ی سلوک انسان در جامعه با هم نوعان خود بوده است، لذا پیچیدگی دنیای امروز در ابعاد مختلف زندگی باعث شده که اخلاق در عرصه‌های مختلف به صورت جداگانه مطرح گردد. خصوصاً در حرفه‌ی پزشکی که هدفش ارتقای سلامت انسان است. علت طرح مباحث اخلاق پزشکی و تأکید بر اهمیت آن به این خاطر است که مسائل آن، فراتر از اخلاق عمومی است. آنچه به عنوان اخلاق عمومی مطرح می‌شود، نمی‌تواند جوابگوی نیازهای اخلاقی در حرفه‌ی پزشکی باشد، زیرا به هیچ فردی، مسئولیتی

به اهمیت مسئولیت پزشک واگذار نشده است و هیچ شخصی غیر از پزشک، امین ناموس و نگهبان سلامت انسان نیست. برای سالم نگهداشتن هر چیزی یا هر مخلوقی، باید شناخت کاملی از آن مخلوق داشته باشیم و ابعاد وجودی او را به درستی بشناسیم، به خصوص اگر این موجود، مخلوقی باشد که خالق هستی در قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی تین، پس از چهار قسم به شایستگی آن اشاره کرده و می‌فرماید: ﴿لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم﴾ و با توجه به این که مباحث مربوط به سلامتی در ابعاد روانی و جسمانی و در پس آن، اخلاق پزشکی متکی به پیش فرض‌های نظری هستند که مهم‌ترین آن‌ها انسان‌شناسی است، در این تحقیق، به آراء و نظرات فیلسوفان در این باره اشاره شده است.

مسأله‌ی روابط پزشک و بیمار و انتظارات و توقعات معقول و متین بیماران از پزشکان، در اعصار و قرون ریشه دارد و بر اساس سنت‌ها و میراث فرهنگی و اعتقادات سنتی و دینی و آداب و رفتار و روابط خاص اجتماعی در جوامع مختلف شکل گرفته است. رعایت اصول و موازین اخلاقی و آموزه‌های دینی در روابط متقابل پزشک و بیمار، نقش بسیار جدی‌تر و پر رنگ‌تری از سایر شئون اجتماعی دارد. بیمار پزشک را امین و محرم اسرار و قابل اعتماد می‌داند و بر اثر این امنیت خاطر، به خود اجازه می‌دهد تا مسائلی را با او در میان بگذارد که گاهی حتی با نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین افراد خانواده یا نزدیکان نیز قابل طرح نیست.

رسیدن به این مرحله، تنها با رعایت قوانین و ضوابط حاکم بر حرفه، حاصل نمی‌شود و به رفتاری نیاز دارد که اصول آن، ریشه‌های عمیق در سنت و میراث فرهنگی و اعتقادات و نیازها و هنجارهای جامعه دارد. رعایت ضوابط و قوانین، درست‌کاری، ادب و متانت، صرف‌نظر از پیشه و شغل، از وظایف همه‌ی افراد یک جامعه‌ی سالم است که پزشک هم از آن مستثنا نیست. ولی به دلیل ماهیت کاری، یعنی حفظ تندرستی و سلامت مردم و سر و کار داشتن با جان و حیات بیماران، پزشک به خصوصیات دیگری نیاز دارد تا بتواند جایگاه شایسته خود را در اجتماع کسب کند. این خصوصیات

فراتر از رعایت قوانین و ضوابط است و شامل ویژگی‌هایی است که در سنت‌ها و اعتقادات و عواطف و وجدان جامعه ریشه‌ای عمیق دارد. رفتار پزشک باید به گونه‌ای باشد که بیمار بتواند از صمیم قلب به او اعتماد کند. پزشک باید بتواند به بیمار نشان دهد که حفظ سلامتی و تندرستی او، اولین و مهم‌ترین هدف اوست.

با مطالعه و بررسی در تاریخ پزشکی، می‌توان دریافت که دانش و حرفه‌ی پزشکی، از دوران‌های گذشته، با دستوره‌های اخلاقی و مقررات شغلی همراه بوده است. بقراط که او را پدر علم پزشکی می‌خوانند، به آن ارزشی علمی و معنوی و انسانی بخشیده و خرافات را از این علم زدوده و سوگندنامه‌ای نوشته است که با اندک تغییری تا به امروز نزد همه‌ی ملت‌ها مورد قبول است. آیین پزشکی در اسلام و ایران نیز بسیار مورد توجه بوده است. برخی از پزشکان و فیلسوفان در ایران باستان مانند ابونصر محمد فارابی و محمد زکریای رازی و ابن‌سینا، در کنار حرفه‌ی پزشکی و علمی خود، به نگارش کتاب‌هایی در زمینه‌های اخلاق و اخلاق پزشکی پرداخته‌اند. در این راستا، بر اساس نظریات ارزنده‌ی «استفان تولمین» فیلسوف علم، مباحث اخلاق پزشکی، فلسفه‌ی اخلاق را از تأملات صرف فلسفی خارج کرده و در حوزه‌ی عمل به کار گرفته است. مباحث آکادمیک اخلاق پزشکی که از دهه‌ی ۱۹۶۰ آغاز شده در درون خود فلسفه‌ی پزشکی را نیز به وجود آورد. تکنولوژی جدید و چالش‌های اخلاقی که مستلزم استفاده از این وسایل بوده (مانند اتانازی، سقط جنین، لقاح مصنوعی، مرگ مغزی و پیوند اعضا و ژنتیک) اخلاق پزشکی را از سوگندنامه‌ای بقراط فراتر برده و تأملات دقیق‌تری را ضروری ساخته است. اخلاق پزشکی قلمروی است که چهار حوزه‌ی مهم یعنی فلسفه، پزشکی، الهیات و قانون باید در آن مدنظر قرار گیرد و قطعاً همکاری پزشکان و فیلسوفان در این حوزه بهره‌های فراوانی را به بار خواهد آورد.

اخلاق پزشکی، بحث در اخلاق هنجاری کاربردی است که به مشکلات خاص اخلاقی می‌پردازد. هدف اخلاق پزشکی حل مشکلات اخلاقی خاص است که به واسطه‌ی علم پزشکی و تحقیقات

زیست‌شناختی به وجود می‌آید. سقط جنین، کلونینگ، ژنتیک، پیوند اعضا، خود مختاری بیمار، در حال حاضر اساسی‌ترین مباحث در اخلاق پزشکی هستند. در جامعه‌ی اسلامی ما، پرداختن به مشکلات اخلاقی در حرفه‌ی پزشکی، نیاز جدی به تحلیل مفاهیم اخلاقی و تدوین نظامی بر اساس آن‌ها دارد. این که آیا ارزش‌های اخلاقی مصنوع انسان‌اند یا یک معیار و مرجع بیرونی (خداوند) وجود دارد که این اصول را در قالب احکام صادر می‌کند و آیا گزاره‌های اخلاقی قابل تأویل به گزاره‌های غیر اخلاقی‌اند، مباحثی هستند که پاسخ به آن‌ها می‌تواند در این حوزه بسیار راهگشا باشد. کمبود چنین مباحثی در فلسفه‌ی اخلاق اسلامی و عدم تدوین ساختار و نظامی بر اساس آن‌ها، جامعه‌ی پزشکی را با سر درگمی‌های بسیاری روبرو کرده است. مسئولان وزارت بهداشت، به این مسأله توجهی ندارند و کسانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، اعم از مؤسسات یا اشخاص، با فلسفه‌ی اخلاق، ناآشنا هستند. اخلاق پزشکی، در جامعه‌ی ما نیاز به بازنگری کلی دارد و آشنایی دقیق با مسائل فلسفی و دین‌شناختی و ارائه‌ی تعریف کاملی از انسان بر اساس تعالیم دینی، ضروری است تا تصمیم‌گیری‌ها با مبنای درستی انجام شوند. هر چند در جامعه‌ی ما درباره‌ی اخلاق پزشکی بحث‌های زیادی صورت گرفته است، اما در واقع می‌توان گفت، این علم کاملاً در کشور ما مهجور مانده است. پزشکی امروز، پیوسته با مسائل اخلاقی جدید مواجه است و در نتیجه نیازمند بحث مداوم و ایجاد راهکارهای مناسب برای تصمیم‌گیری در مقام عمل است.

پژوهش حاضر بر اساس این پرسش اصلی شکل گرفته است که چه رابطه‌ای میان انسان‌شناسی قرآنی و اخلاق پزشکی وجود دارد و انسان‌شناسی قرآنی، در حوزه‌ی اخلاق پزشکی، چه عملکردهایی می‌تواند داشته باشد. اخلاق پزشکی یکی از حیطه‌های مهم اخلاق کاربردی است. این پژوهش در نظر دارد به یکی از مبانی نظری اخلاق پزشکی و بلکه مهم‌ترین مبنای آن، یعنی انسان‌شناسی بپردازد و پس از طرح مباحث عام، درباره‌ی ربط و نسبت انسان‌شناسی با اخلاق پزشکی، به طور خاص، انسان‌شناسی مورد نظر قرآن و تأثیر آن را بر اخلاق پزشکی حاکم بر جهان مورد بررسی قرار دهد؛

زیرا یکی از فرضیه‌های مهم پژوهش حاضر این است که انسان‌شناسی حاکم بر اخلاق پزشکی غرب، ماده‌گرایانه است و انسان را موجودی تک‌ساحتی تصویر می‌کند؛ از این‌رو، جا دارد که در جامعه‌ی دینی و با نگاهی دین‌مدارانه به انسان، اخلاق پزشکی رایج در جهان، مورد سنجش قرار گیرد تا میزان سازگاری یا ناسازگاری آن با مبانی مورد پذیرش جوامع دینی، محک زده شود.

پرسش‌های فرعی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از:

۱- مهم‌ترین مبنای نظری اخلاق پزشکی چیست؟

۲- اخلاق پزشکی حاکم بر مغرب زمین بر چه نوع انسان‌شناسی مبتنی است؟

۳- انسان‌شناسی قرآنی، چه تأثیری بر اخلاق پزشکی دارد؟

بر اساس این پرسش‌ها، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر بیان شده است:

۱- مهم‌ترین مبنای نظری اخلاق پزشکی، انسان‌شناسی است؛ چرا که باید‌ها و نبایدهای اخلاق

پزشکی با چگونگی شناخت انسان رابطه‌ای مستقیم دارد.

۲- انسان‌شناسی حاکم بر اخلاق پزشکی مغرب زمین، انسان‌شناسی ماده‌گرایانه است که به دلیل

تک‌ساحتی دانستن انسان، بخشی از نیازهای او را مورد غفلت قرار می‌دهد.

۳- انسان‌شناسی قرآنی می‌تواند در تعیین الزامات و بایسته‌های اخلاق پزشکی، کرامت انسانی را به

شیوه‌ی مطلوب‌تری تأمین کند.

از آن‌جایی که مباحث اخلاق پزشکی در کشور ما نوپا و جدید است، که هم به دلیل نوپا بودن آن

و هم به دلیل «پزشکی محوری» آن، یا مبانی نظری در این نوع مباحث مغفول واقع شده و یا به

شیوه‌ای بسیار ضعیف به آن پرداخته شده است. اخلاق پزشکی در ایران، هنوز جایگاه خود را نیافته و

فعالیت‌های آن، تنها در دانشگاه‌های پزشکی ظهور و رشد یافته است و گروه‌ها و رشته‌های دیگری که

می‌توانند در این زمینه فعالیت کنند (مانند الهیات، فلسفه، حقوق و ...) نقشی ایفا نکرده یا موضوع را

مسکوت گذاشته‌اند.

هدف پژوهش حاضر، استخراج یکی از مبانی نظری (انسان‌شناسی) است برای پاسخ به پرسش‌هایی که در اخلاق پزشکی مطرح می‌شود. از آن جایی که مبانی اخلاق پزشکی موجود در جامعه‌ی ما برگرفته شده از جوامع دیگر است، به لحاظ پشتوانه‌ی نظری، هماهنگ با تعالیم دینی ما، خلأ جدی در آن دیده می‌شود؛ حال سؤال این است که آیا می‌توان با این روش، مشکلات و مسائلی را که در حیطه‌ی پزشکی در جامعه‌ی ما به وجود آمده، مرتفع ساخت؟ پس، اخلاق پزشکی در ایران، با دو چالش مهم روبروست: اول، وجود نداشتن تبیین روشنی از جایگاه دین در آن، دوم، «پزشکی محوری» بودن آن. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است نقش و جایگاه دین را در این مباحث مشخص سازد و با شناختی که بر طبق مبانی قرآنی از انسان به دست می‌دهد، اخلاق پزشکی رایج در جهان را بازخوانی کند.

ذکر این نکته لازم است که تحقیق مستقلی با عنوان رساله‌ی حاضر به زبان فارسی صورت نگرفته است، هر چند که در حوزه‌ی انسان‌شناسی قرآنی، انسان‌شناسی غربی و اخلاق پزشکی، کارهای مستقلی وجود دارد؛ از این رو می‌توان مدعی شد که پژوهش حاضر، به دلیل تلاش برای بررسی تأثیر انسان‌شناسی قرآنی به عنوان متغیر مستقل، بر اخلاق پزشکی به عنوان متغیر وابسته، واجد نوآوری است. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر، از آن جهت که تأثیرات انسان‌شناسی قرآنی را بر اخلاق پزشکی بررسی می‌کند، پژوهشی بدیع و مستقل محسوب می‌شود.

نهادهای یا مؤسساتی که می‌توانند از یافته‌های این پژوهش بهره‌گیرند، عبارت‌اند از:

۱- مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی

۲- کمیته‌های پزشکی در دانشگاه‌ها

۳- کلیه‌ی مؤسساتی که در زمینه‌ی اخلاق پزشکی فعالیت دارند.

روش این تحقیق در گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است و سپس با استفاده از روش تحلیل محتوایی سعی شده است تا حد امکان، از منابع موجود بهره‌برده شود. در فصل اول، کلیاتی درباره‌ی اخلاق و تقسیم‌بندی‌های آن ارائه شده و درباره‌ی جایگاه اخلاق پزشکی در تقسیم‌بندی علم اخلاق و تعریف و مسائل و مشکلات این حرفه، سخن به میان آمده است. در فصل دوم جایگاه انسان در تفکر غربی از

نظر ارزشی مورد بررسی قرار گرفته که بر اساس آن، فیلسوفان به سه دسته تقسیم شده‌اند: الف- کسانی که ماده‌گرا هستند و منکر وجود روح در انسان می‌باشند و هرگونه امور غیرمادی را انکار می‌کنند. ب- گروهی که منکر جسم و جوهر جسمانی هستند و روح را تنها جوهر عالم وجود می‌دانند. ج - کسانی که هم به وجود روح قائلند و هم جسم. در فصل سوم، جایگاه انسان از منظر دین (که منبع مورد استفاده، قرآن کریم بوده است) مورد بررسی قرار گرفته است که با توجه به آن، جسم و روح انسان هر دو محترم است و شرافتی بس عظیم نزد خالق جهان دارد تا آن‌جا که از میان همه‌ی موجودات عالم، تنها به انسان عزت و کرامت داده است و او را خلیفه‌ی خود در زمین قرار داده است. در فصل نهایی، این دو انسان‌شناسی (غربی و قرآنی) با یکدیگر مقایسه شده است و به توصیف جایگاه انسان در علم پزشکی پرداخته شده است. با توجه به این‌که اخلاق پزشکی (که موضوع آن انسان است) امروزه تماماً بر انسان‌شناسی مادی مبتنی است، و شناخت دینی از انسان هیچ جایگاهی در این علم ندارد، با ارائه‌ی تصویر کاملی از انسان در قرآن، نتیجه گرفته شده است که هر چه دیدگاه ما نسبت به انسان متعالی‌تر و بر اساس معیارهای دینی و اسلامی باشد، نوع تعامل و نحوه‌ی رفتار با او، در تصمیم‌گیری‌های پزشکی اخلاقی‌تر خواهد شد. امید این‌که با گسترش این علم در کشور ما و بهره‌گیری از محتوای ارزشمند قرآن کریم، گام‌هایی بلند در راستای تحقق اهداف این کتاب مقدس، در ارج نهادن به انسان، برداشته شود.

فصل اول:

کلیات